

## عصمت فاطمه زهرا(س) در آیات و روایات

□ محمد جمعه کریمی \*

### چکیده

شخصیت فاطمه زهرا(س)، در آیات و روایات به‌ویژه روایات اهل تسنن به‌عنوان بانویی جامع فضائل انسانی ترسیم شده است و عصمت آن حضرت از دیدگاه آیات و روایات به‌روشنی آشکار می‌گردد. روایات اهل سنت جایگاه، مقام و منزلت آن حضرت را از منظر قرآن نشان داده و بیان گر شخصیت فاطمه زهرا(س) در تعبیر الهی به‌خوبی نمایان است. در روایات متعدد ابعاد دیگری از شخصیت حضرت فاطمه با نقل رسول خدا (ص)، آشکار می‌شود. جمع‌بندی از روایات متعددی تشییع و تسنن و دلالت قرآن کریم، جایگاه واقعی حضرت زهرا(س) را در کانون پرمهر اهل بیت پیامبر (ص) قرار داشته، نشان داده و به‌وضوح دلالت دارد که وی معصوم و مصئون و از هر گونه خطا، و اشتباه و کارهای خلاف شئونی انسان باشد؛ به‌دور است و وی ضامن تداوم نسل پیامبر (ص)، آگاه به حقایق دینی، قاطع در دفاع از حق در دوران رسالت، مدافع حریم ولایت پس از رحلت پدر، محبوب‌ترین شخص نزد رسول خدا(ص)، سرور زنان دو عالم و ... می‌باشند و به دلالت روایات، وی یکی از اولین افراد است که همراه با پدر یعنی رسول خدا(ص) و همسر، علی(ع) وارد بهشت می‌گردد و به نقل روایاتی از آن حضرت، آشکار می‌گردد که او وسیله نجات دوستداران و محبین خویش در روز رستاخیز نیز می‌باشد.

**کلید واژه:** عصمت، معصوم، آیات و روایات، فاطمه، زهرا(س).

## گفتار اول) عصمت در لغت و اصطلاح

عصمت از نظر ساختار صرفی، اسم مصدر از ریشه «ع.ص.م» است که در زبان عربی به معنای مَنَع (حسینی، بی تا، ۳۳۶) امساک (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ۳۳۴) و نگاهداری نفس از گناه (حسن عمید، ۱۳(ع)(ص)، ۱۴۴۰) به کاربرده شده است. به نظریات چند تن از اهل لغت اشاره می گردد:

الف) عِصْمَه: منع. جلوگیری، ممانعت، نگهداری، حفظ، حمایت، تنزه عن الخطیئه (بی گناهی، پاک)، تنزه عن الخطأ (مصونیت از خطا) و لغزش ناپذیری است. (انطوری الیاس، ۱۳(ع)۳، ۴۴۲)

ب) معصوم: محفوظ، مصون، منزّه من ارتکاب الخطایا (بی گناه و پاک)، منزّه عن الخطأ (لغزش ناپذیر)، (انطوی الیاس، ۱۳(ع)۳، ۴۴۲)  
خلیل بن احمد می نویسد:

ج) عصمت؛ آن است که خداوند متعال تو را از شر نگه دارد؛ یعنی شر را از تو دفع کند. (فراهیدی، بی تا، ۳۱۳)  
ابن فارس می نویسد:

عصمت؛ نگهداشت الهی از امور و حوادث بدی است که بر بندگان عارض می شود: «(عصم) العین والصاد والمیم أصل واحد صحیح یدل علی إمساک و منع و ملازمه والمعنی فی ذلک کله معنی واحد من ذلک العصمه أن یعصم الله تعالی عبده من سوء یقع فیه» (ابوالحسین، ۱۴۲۰ق، ۳۳۱)

(ع ص م) یک اصل صحیحی است که دلالت بر امساک و منع و ملازمه می کند و همه اینها (منع، امساک و ملازمه) به یک معنا است و عصمت این است که خداوند بنده اش را از هر بدی که در آن واقع می شود، نگه دارد».

منع کردن می تواند به دو صورت انجام گیرد: کسی دیگری را مجبور به ترک کاری کند به گونه ای که از او سلب اختیار شود یا وسایل و مقدماتی برای او فراهم آورد که با اختیار خویش از انجام کاری امتناع ورزد.

ابن منظور می نویسد .

در اصطلاح: برای عصمت تعریف های مختلفی شده است. مشهورترین تعریف برای عصمت، تفسیر آن به " لطف الهی " است که خداوند آن را برای بعضی از انسان ها عطا می فرماید. در سایه آن، از ارتکاب گناه و ترک طاعت مصونیت پیدا می کند. برای نمونه به چند تعریف اشاره می گردد:

الف) ابن ابی الحدید معتزلی می نویسد: عصمت نزد دانشمندان معتزله، لطفی است که مکلف را از فعل قبیح، با اختیار باز می دارد. (ابن ابی الحدید، بی تا: ۸)

ب) قاضی عبدالجبار می نویسد: «العصمه... و قد صار بالعرف عبارة عن لطف يقع معه الملطوف فيه لا محالة حتى يكون المرء معه كالمدفوع الي ان لا يرتكب الكبائر، و لهذا لا يطلق الا عن الانبياء او من يجرى مجراهم» (قاضی، ۱۳۸۴: (ع) ۸۰)

عصمت... در عرف عبارت است از لطفی که با داشتن آن ملطوف فيه حتما واقع می شود. شخص با داشتن آن لطف از ارتکاب گناه، چه کبیره و چه صغیره باز داشته شده است و به همین دلیل عصمت به جز در مورد انبیا یا کسانی که در مسیر انبیا هستند، به کار برده نمی شود .

ج) شیخ مفید می نویسد: العصمه لطف يفعل الله تعالى بالمكلف بحيث يمتنع منه وقوع المعصية و ترك الطاعة مع قدرته عليهما، وی در جای دیگر با تعریف عصمت به لطف، توفیق و تفضل الهی، تأکید می کند که عصمت موجب جبر نمی شود.

د) سید مرتضی می نویسد: العصمه هی ما اختیر (ما اختار) عنده من اللطاف، التترّه من القبح و الامتناع من فعله؛ عصمت از الطافی است که شخص با داشتن آن، پاکی از قبیح و پرهیز از انجام آن را بر می گیرند. (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق: ۱۳۵)

از مجموع آن می توان چنین نتیجه گرفت که عصمت عبارت از ملکه نفسانی قدرتمندی است که با وجود آن، انسان را عقل توانمند و فطانت و هوشیاری کامل و نهایت صفای نفس و کمال اعتنا به طاعت خداوند برخوردار می شود و در نتیجه با داشتن قدرت بر ارتکاب معصیت، با اختیار خود مرتکب آن نمی شود.

## واژگان مترادف عصمت:

### الف) مخلص

مخلص از ماده اخلاص است. راغب در مفردات می نویسد: «حقیقه الاخلاص التبری عن کل ما دون الله تعالی» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۱۵۵) از آنجای که انسان بر حسب مراتب دوری و نزدیکی از خداوند، درجات مختلفی از علم و عمل دارند، خداوند هم بندگان را به اصنافی تقسیم نموده و برای هر صنفی مرتبه ای از علم و ادراک قائل شده است؛ طایفه ای «مخلصین» معرفی کرده، علم واقعی به اوصاف پروردگار خود را مختص آنان می داند. در این باره خداوند سخن ابلیس را چنین حکایت می کند: «قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَا أُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ؛ گفت» پروردگارا! چون مرا گمراه ساختی، من نعمت های مادی را در زمین زینت می دهم، و همگی را گمراه خواهم ساخت؛ مگر بندگان "مخلص" را و خداوند هم گفتار او را تأیید کرد. بنا براین، "مخلصین" معصوم و مصون از گناه بوده و شیطان تا ابد از اغوای آنان نا امید است و گناه به معنای معروف هر گز از آنان سر نمی زند و به مغفرت آن نیاز ندارند.

### ب) تنزیه

بعضی از اندیشمندان اسلامی الفاظی را به کار گرفته اند که بیانگر معنای عصمت است. مرحوم سید مرتضی، در مورد عصمت انبیا و ائمه (ع) کتابی نوشته و آن را «تنزیه الانبیاء و الائمه (ع)» نام گذاری نموده است.

در برخی از روایات نیز مشتقات کلمه «تنزیه» در کنار واژه عصمت به کار رفته است. در زیارت جامعه که از امام هادی(ع) نقل شده است، می‌خوانیم:

«اللهم اجعل أفضل صلواتک... علی سیدنا محمد عبدک ورسولک... المعصوم من کل خطاً وزلل المنزه من کل دنس و خطل و المبعوث بخیر الأديان و الملل» (علامه مجلسی، بی- تا، ۱(ع) ۸) در این جا کلمه «منزه» معنای معادل عصمت را دارد.

### ج) توفیق

بعضی از علما و اندیشمندان اسلامی این واژه را معادل و مساوی با «عصمت» دانسته‌اند. شاید منشأ این نوع کاربرد، روایاتی باشد که در کنار واژه «عصمت»، لغت (توفیق) و مشتقات آن بکار رفته است.

به دو نمونه از روایات که در زیر بیان می‌شود، توجه کنید:

الف) امام صادق(ع) درباره پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید:

«إن رسول الله كان مسدداً موقفاً مؤيداً بروح القدس لا يزلّ ولا يخطئ في شيء مما يسوس به الخلق» (علامه مجلسی، بی تا، ۴)

«رسول خدا(ص) برخورداری از راهنمایی و توفیق الهی و مؤید به روح القدس بود، به همین دلیل هیچ‌گونه خطا و لغزشی - مثل دیگران - در او راه نداشت»

ب - امام رضا(ع) می‌فرماید:

«هو معصوم مؤيد موفق مسدد قد امن الخطايا و الزلل والعتار؛ امام، معصوم و برخورداری از تأییدات و توفیقات و راهنمایی‌های الهی و از هر گونه خطا و لغزش در امان است» (علامه مجلسی، بی تا: ۱۲(ع))

بعضی از اندیشمندان، اصطلاحاتی مانند صداقت، امانت، تبلیغ و فطانت را معادل عصمت دانسته‌اند که از لازمه آن محسوب می‌شود و آن عبارت است از قدرت و فهم فوق العاده برای احتجاج و استدلال در برابر شبهات دشمنان است.

## گفتار دوم) حقیقت عصمت

در باره عصمت چندین تا نظریه ی وجود دارد که چند نمونه اشاره می گردد:

۱. عصمت یکی از صفات تفضلی خداوند است که به انسان های مخلص خویش عطا می - فرماید. قرآن کریم میفرماید: «اَنَا اخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِكْرِي الدَّارِ» برخی از مفسرین این آیه را چنین تفسیر کرده اند، اَنَا اخْلَصْنَاهُمْ از صفات خبیثه و اعمال سیئه و وساوس شیطانیه و خیالات فاسده و شهوات نفسانیه و شبهات وارده و عوارض نفسانیه از شک و سهو و نسیان و غفلت و خطا و اشتباه که معنی عصمت است. (طیب، ۱۳(ع) ۸: ۲۵۳)

۲. به عبارت دیگر، عصمت یک صفت نفسانی و نیروی درونی است که دارنده را از فکر و خیال انجام گناه، چه رسد به ارتکاب گناه باز می دارد و در اصطلاح به معنای مصون و محفوظ بودن از خطا، نسیان، لغزش و گناه است. علامه طباطبایی میفرماید: منظور از "عصمت" وجود امری است در انسان معصوم که باعث حفظ او از وقوع در آنچه که جایز نیست (مثل خطا و معصیت) می شود. (طباطبایی، بی تا: ۱۳۶) البته از نظر ایشان، انبیای الهی (و تمامی اولیا و هدایت شدگان خاص) دارای عصمت مطلق می باشند که مصادیق فراوانی را شامل می شود. (آملی: ۱(ص) (ع)) از نظر ایشان "عصمت" نتیجه ی علم معصوم به عواقب گناه می باشد؛ یعنی علم و شعور معصومان به آثار گناهان به گونه ای است که هیچ گاه مغلوب قوای دیگر انسانی نشده، بلکه مسلط بر آنان است. (آملی، بی تا: ۱(ص) (ع))

۳. در مورد "عصمت" نظریه ی دیگری وجود دارد که می گوید: "معصوم بر اثر بالا بودن مراتب شناخت خداوند متعال و دلباختگی نسبت به جمال و کمال حق به خود اجازه نمی دهد که گامی بر خلاف رضای او بردارد، و عشق و علاقه انسان به معبود و درک جمال و جلال او و آگاهی از نعمت های بی پایان او در حق وی، آنچنان در روحش خضوع و فروتنی به وجود می آورد که هرگز به فکر گناه نمی افتد چه رسد به این که مرتکب گناه شود". (سبحانی، بی تا: ۱۴)

این نظریه ها بر این اتفاق دارند که در وجود معصوم ملکه ای به وجود می آید که پیوسته عصیان و تجری و خلاف کاری را از زندگی طرد کرده و از گناه و لغزش، پاک و محفوظ نگاه می دارد.

علامه جای دیگر، در باره حقیقت عصمت چنین میفرماید: « خداوند به معصومین از علم، آن مرحله ای را داده که ملکه عاصمه است، و ایشان را از ارتکاب گناهان و جرائم حفظ می کند و دیگر با داشتن آن ملکه صدور گناه حتی گناه صغیره از ایشان محال می شود. فرق عصمت و ملکه عدالت همین است، با اینکه هر دوی آنها از صدور و ارتکاب گناه مانع می شوند، اما از این جهت باهم فرق دارند که با ملکه عصمت صدور معصیت ممتنع هم می شود، ولی با عدالت ممتنع نمی شود. (طباطبایی، ۱۴۱۲: ۱۶۲)

بنا بر این، عصمت و دوری کردن معصوم از گناه و ناسازگاری با اختیار آنها نیست، خداوند به برخی از انسان های خاص موهبتی عنایت می کند و آن اعطا علمی خاص است. پس معلوم می شود که علم انبیا و ائمه اطهار(ع) به حقیقت و عواقب گناه و نافرمانی از اوامر و نواهی مولایش غیر از علم ما انسان های عادی است.

یکی از آن انسان های خاص که خداوند نسبت به وی موهبتی خویش را اعطا فرموده؛ فاطمه زهرا(س) است. نمونه های زیادی برای اثبات این مدعا وجود دارد که در این نوشته مجال ذکر همه ی آن نیست. به نمونه ی اشاره می گردد:

۱. هنگام برگشت رسول اکرم(س) از معراج، فرشته ای به وی سیب تعارف کرد که از آن نسل حضرت زهرا(ص) منعقد گردید. (زکی زاده، ۱۳۸۸: ۱۶۰) این جز عنایت خاص خداوند نسبت به حضرت زهرا(ص) چه می تواند باشد و یا اینکه حدیث معروف از رسول خدا(ص) درباره فاطمه(س) فرمود: « هر کسی فاطمه را اذیت کند مرا اذیت کرده است و... » (ریاض، ۱۴۰(ص) ق: ۳۸۸).

۲. در مقابل فاطمه(س) اقدام به کاری می کرد که رضای خدا و رسول در آن باشد. نمونه ی عینی آن، روزی پیرمردی نزد رسول اکرم(ص) آمد و تقاضای کمک کرد. حضرت وی را نزد فاطمه(س) فرستاد، فاطمه(س) گردن بندی خود را به او داد و او برگشت به مسجد عمار گردن بند را از پیر مرد خرید و او را پوشاند و سیر کرد. کردن بند را خوشبو نمود بدست غلام نزد پیامبر(س) فرستاد. رسول خدا(ص) گردن بند را همراه با غلام به فاطمه(س) بخشید. حضرت گردن را تحویل گرفت و بنده را آزاد کرد. غلام خنده ی کرد. حضرت ازش سوال کرد چرا خنده

کردی در جواب گفت گردن بندی با برکتی بود که هم گرسنه ی را سیر، برهنه ی را پوشان و بنده ی را آزاد کرد! (انصاریان، (انصاریان، پایگاه اطلاع رسانی) از این قبیل فضایل از فاطمه (س) در کتابهای تشیع و تسنن فراوان یافت می شود.

## گفتار سوم) ادله عصمت فاطمه زهرا (س)

### آیه تطهیر

آیات متعددی بر عصمت حضرت زهرا دلالت دارد که تنها به یک مورد اشاره می شود و آن آیه تطهیر است: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب، ۳۳) قرآن می فرماید: خداوند «تنها» می خواهد پلیدی و گناه را از شما «اهل بیت» دور سازد و شما را کاملاً پاک کند. در این بخش از آیه دو ضمیر جمع به کار رفته است که هر دو به صورت جمع مذکر آمده است، و ربطی به همسران پیامبر (ص) پیدا نمی کند.

همچنین تعبیر به «انما» که معمولاً برای حصر است و امروز در فارسی به جای آن «فقط» یا «تنها» گفته می شود، دلیل بر آن است: موهبتی که در این آیه آمده ویژه ی خاندان پیامبر (ص) است و شامل دیگران نمی شود.

جمله «یرید» (خداوند اراده دارد و می خواهد ....) اشاره به اراده تکوینی پروردگار است، یعنی خداوند با یک فرمان تکوینی اراده کرده است که شما را از هر گونه آلودگی پاک و مصون دارد، نه اراده تشریعی، زیرا اراده تشریعی، به معنی مکلف ساختن آنها به حفظ پاکی خویش است و می دانیم این تکلیف منحصر به خاندان پیامبر (ص) نیست، همه مسلمانان مکلف و موظفند که خود را پاک نگه دارند.

و اما «رجس» در لغت به معنی شیء ناپاک [۵] است و اگر در بعضی از کلمات بزرگان رجس به معنی «گناه» یا «شرک» یا «اعتقاد باطل» یا «بخل و حسد» تفسیر شده در حقیقت بیان مصداق هایی از این مفهوم وسیع و گسترده است.

به هر حال با توجه به الف و لام جنس که بر سر این کلمه آمده (الرَّجْس) و در این جا معنی عموم را می‌رساند مفهوم آیه چنین است که خداوند اراده کرده هرگونه و هر نوع از انواع آلودگی را از آنان دور سازد.

جمله «وَيُطَهِّرُكُمْ تَطْهِيراً» با توجه به این که معنی «تطهیر» پاک ساختن است تأکید مجددی است بر مسأله نفی رجس و نفی همه پلیدی‌ها که در جمله قبل آمده است،

و واژه «تطهیراً» که به اصطلاح مفعول مطلق است باز هم تأکید دیگری بر این معنی است. نتیجه این که خداوند با انواع تأکیدها اراده فرموده است که اهل بیت پیامبر اسلام (ص) را از هر گونه پلیدی و آلودگی پاک و مبرا سازد. طبق روایاتی که از اهل سنت نقل شده است، عایشه و ام سلمه به صراحت اعلام داشتند که آیه تطهیر در شأن آنها نازل نشده است. (بدران، (ص) ۸۰) البته ادله دیگر این نکته را به وضوح بیان می‌کنند که اهل بیت پیامبر (ص) در چهارده معصوم منحصر است. (نمایه، ۱۲۴ع))

بی تردید، فاطمه زهرا (س) از اهل بیت پیامبر (ص) هستند و اگر در بیان فضیلت او دلیل دیگری نبود، همین آیه کافی بود که او را در صدر زنان عالم بنشانند. پیامبر اکرم (ص) با شیوه‌هایی به یادماندنی، اهل بیت (ع) را به همگان معرفی نموده و راه هرگونه توجیهی را بسته است. آن حضرت در پاسخ به ام سلمه - که یکی از شایسته‌ترین همسران پیامبر بود و پیوستن به اصحاب کساء را درخواست می‌نمود- فرمودند: «رحمت خدا بر تو باد. تو همواره به راه خیر و رستگاری بوده‌ای و چقدر من از تو راضی‌ام! لیکن این فضیلت ویژه من و این چند نفر است». (مجلسی، بی تا: ۱۴۱) همچنین ابن عباس نقل کرده است: «رسول خدا تا نه ماه، روزی پنج مرتبه، هنگام فرارسیدن وقت نماز به در خانه علی بن ابی طالب می‌آمدند و می‌فرمودند: درود و رحمت و برکات خدا بر شما اهل بیت باد. خداوند اراده نموده تا هرگونه پلیدی را از شما اهل بیت دور گرداند و به طور کامل و شایسته پاکتان سازد. وقت نماز است، آماده شوید. رحمت خدا بر شما باد. (سیوطی، ۱(ص) (ص) ۳: ۶۰۶)

پاداش رسالت

به استناد آیه: «... قل لا اسألكم عليه اجراً الا المودة فی القربی» (شوری، ۲۳) (بگو در قبال رسالت) پاداشی از شما نمی‌خواهم به جز دوست داشتن نزدیکانم) حضرت فاطمه (س) یکی از مصادیق «قربای» پیامبر است که مودت با او به عنوان پاداش رسالت پیامبر (ص) امری واجب و الزامی است و قابل توجه است که طبق آیه: «قل ما سالتکم من اجر فهو لکم ان اجری الا علی الله و هو علی کل شی شہید» (سبا، ۴ع)

بارها رسول خدا (ص) منظور از آیه (اهل بیت) فاطمه، علی، حسن و حسین را بیان کرده است. یکی از آن‌ها، فاطمه (س) بود که مصون از گناه است؛ چون مزد و پاداش رسالت رسول الله (ص) نمی‌تواند همراه با گناه باشد.

مؤید براین مطلب حدیث «ابن عباس» است که می‌گوید: چون آیه: «قل لا اسألكم عليه اجراً الا المودة فی القربی» نازل شد، اصحاب گفتند: ای رسول خدا (ص) خویشان تو که خداوند محبت آنها را واجب فرموده چه کسانی هستند؟ پیامبر (ص) فرمود: «علی، فاطمه، حسن و حسین (ع)». (سیوطی، ۱ص) (ص) (ص) ۳: ۳۴۸) زمخشری در ذیل آیه حدیث دیگری در لزوم دوستی آل محمد (ص) آورده که با این عبارت شروع می‌شود: «قال رسول الله (ص): من مات علی حب آل محمد مات شهیداً، الا من مات علی حب آل محمد مات مغفوراً له...» (زمخشری، ۱۴۰ع) (ق: ۲۲۰) و فخررازی پس از ذکر همین حدیث آورده است: «در عظمت آل محمد همین بس که اولاً: آنان - یعنی علی، فاطمه، حسن و حسین - محبوب رسول خدا (ص) بوده و لذا دوستی آنان بر امت واجب است. ثانیاً: آنان در شاهد نماز در کنار رسول خدا (ص) مخصوص به ذکر و دعا شده‌اند که: «اللهم صل علی محمد و آل محمد» که این نیز بر وجوب حب و دوستی آنان دلالت دارد. (فخررازی، ۱۴۱۳ق: ۱۶۶)

### حضور در مباحثه

«... فقل تعالوا ندع ابناءنا و ابناءکم و نساءنا و نساءکم و انفسنا و انفسکم ثم نبتهل فنجعل لعنت الله علی الکاذبین» بگو! بیایید ما فرزندان خود را بخوانیم شما نیز فرزندان خود را، ما زنان خود

را صدا زنیم شما نیز زنان خود را، ما نفس‌های خود را بخوانیم شما نیز نفس‌های خود را، آن‌گاه مباحله کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم. (آل عمران/ ۶۱)

یک از کسانی که روز مباحله پیامبر (ص) را همراهی می‌کرد؛ فاطمه (س) بود که در خطاب قرآنی آمده رسول الله (ص) او را نفس خویش خوانده است. پس همانطور که پیامبر (ص) از گناه مصون است؛ نفس او (فاطمه) نیز مصون از گناه خواهد بود.

اسقف نجران و همراهان، با مشاهده چهره‌های معصومی که همراه رسول الله (ص) حرکت می‌کردند؛ ترسیدند و از مباحله منصرف شدند و حضرت مباحله مصلحه کرد. (فخر رازی، ۱۴۱۳: ۸ (ص)) به این دلیل قرآنی اهل بیت پیامبر (ص) مصون از گناه و معصوم می‌باشد.

## ایثار و فداکاری

اما ایثار و فداکاری حضرت فاطمه و علی (ع) به شرح زیر در قرآن آمده است «انّ الابرار یشرّبون من کأس کان مزاجها کافوراً عیناً یشرّب بها عبادالله یفجّرونها تفجیراً یوفون بالنذر و یخافون یوماً کان شرّه مستطیراً و یطمعون الطعام علی حبّه مسکیناً و یتیمّاً و اسیراً انّما نطعمکم لوجه الله لانیذّر منکم جزاءً و لاشکورا» (انسان/ ۵- (ص)) (به یقین ابرار از جامی می‌نوشتند که با عطر خوشی آمیخته است. از چشمه‌ای که بندگان خاص خدا از آن می‌نوشتند و از هر جا بخواهند آن را جاری می‌سازند. آنها به نذر خود وفا می‌کنند و از روزی که شر و عذابش گسترده است، می‌ترسند و غذای خود را با آن که به آن علاقه (و نیاز) دارند به مسکین، یتیم و اسیر می‌دهند (و می‌گویند) ما شما را به خاطر خدا اطعام می‌کنیم و هیچ پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهیم.

به نقل ابن عباس، این آیات در پی بیماری حسنین (ع) نازل شد. نذر علی و فاطمه (س) برای شفای آنان به مدت سه روز بود که پس از ایفای به نذر این آیه نازل شد. طبق این روایت علی و فاطمه (س) و کنیز آنان فضّه، سه روز را روزه گرفتند هر روز در هنگام افطار فقیر، یتیم و اسیری برای درخواست کمک آمدند و حضرات افطاری خویش را به آنان ایثار کردند. بدین مناسبت آیه ۲۲-۵ سوره انسان نازل گردید. (نیشابوری، ۱۳ (ع) ۴: ۴۱۲) طبق این آیات ایثار اهل بیت (ع)

مورد پذیرش خدا قرار گرفت و مصونیت آنان از آتش جهنم و بهره‌مندی از نعمات بیکران الهی برایشان ضمانت گردید. مصون از آتش جهنم، مصون از گناه است. طبق دلالت این آیه مبارکه اهل بیت من جمله فاطمه (س) معصوم است. (آلوسی، ۱۴۰۵ق: ۱۵۸)

### کوثر رسالت

فاطمه (س) در قرآن مصداق مشخص کوثر و عوامل تداوم نسل پیامبر (ص) یاد شده است. از آنجای که مفسیران شأن نزول سوره کوثر را بیان می‌کند؛ اینکه فرزند ذکور رسول خدا (ص) در زمان حیات آن حضرت از دنیا رفتند؛ دشمنان حضرت به پیامبر (ص) تعنه می‌زدند و او را ابتر می‌خواندند. (سیوطی، ۱) (ص) (ص: ۳: ۴۰۳) خداوند در پاسخ شماتت مشرکان سوره کوثر را بعنوان بشارت بر رسول (ص) نازل کرد. واژه کوثر معانی مختلف دارد مثل خیر کثیر، (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲: ۴۲۶) علم فراوان، نهی در بهشت، ذریه و نسل، و... (زمخشری، ۴۰: ع): ۸۰ (ع) از باب تقابل کوثر که خیر کثیر می‌باشد، و ابتر یعنی دم بریده و قطع نسل و ریشه را افاده می‌کند. (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲: ۲۶) و اکثر مفسران شیعه و اهل سنت در این که مراد از کوثر فاطمه (س) است؛ هیچ اختلافی ندارند. اگر غیر این را بگویند؛ خودش را تخطئه کرده اند.

### ۱-۲. عصمت فاطمه زهرا (س) در روایات

روایات فراوانی درباره عصمت حضرت زهرا (س) وجود دارد. از جمله این روایت، رسول خدا کراراً درباره دختر گرامی‌اش می‌فرمود: «ان الله تبارک و تعالی یغضب لِعِصْبِ فاطمة و یرضی لِرِضاها» همانا خداوند بلند مرتبه با غضب فاطمه غضبناک و با رضایت او خشنود می‌شود. (نیشابوری، ۱۶، ۱۴۲۲: ع)

مورد اتفاق همه مسلمانان است آن است که رضایت و نارضایتی فاطمه زهرا (س) محور خشنودی و ناخشنودی خداوند خوانده شده است. و این حقیقت، جز عصمت همه جانبه آن حضرت، تفسیر دیگری برنمی‌تابد. خداوند جز به اعمال صالح خشنود نمی‌گردد و هیچ گاه به گناه و سرپیچی از فرمانش رضایت نمی‌دهد. اگر حضرت زهرا به گناه دست می‌زد و یا حتی فکر

آن را در سر می‌پروراند، به چیزی خشنود گردیده بود که خدا از آن خشنود نیست؛ در حالی که در این روایت، رضایت الهی پیوندی ناگسستی با خشنودی فاطمه(س) یافته است.

## ۲-۲. روایات ثقلین

روایاتی که شیعه و سنی از رسول خدا (ص) گزارش نموده اند، فضایی برای اهل بیت بر می‌شمرد که جز با عصمت آنان سازگار نیست؛ چنان که در حدیث معروف ثقلین آمده است. «أَنْتِ تَارِكُ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابُ اللَّهِ وَ عِزَّتِي، مَا أَنْ تَمْسُكْتُم بِهَمَّا لَنْ تَضَلُّوا أَبَدًا، لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضِ» (سنن بیهقی، بی تا: ۱۴۸) من در میان شما دو چیز گران بها باقی می‌گذارم: کتاب خدا و عترتم. تا وقتی که به آن دو تمسک کنید، گم راه نخواهید شد. هیچ گاه این دو از یک دیگر جدا نمی‌شوند، تا آن گاه که بر سر حوض (کوثر) بر من وارد گردند. اگر اهل بیت پیامبر معصوم از گناه و خطا نبودند، پی روی از آنان همواره موجب هدایت نمی‌گردید و جدایی ناپذیری آنان از قرآن، معنای روشنی نمی‌یافت.

## ۲-۳. فاطمة بضعت منی

مسئله عصمت حضرت زهرا آنقدر واضح است که دانشمندان اهل سنت نیز به آن اذعان دارند. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح نهج البلاغه ضمن نقل جریان فدک با استناد به روایت رسول خدا که فرمودند: «فاطمه پاره تن من است و هر کس او را اذیت کند مرا اذیت نموده و هر کس مرا اذیت کند خدا را اذیت نموده است»، چنین می‌نویسد: این روایت بر عصمت حضرت زهرا دلالت می‌کند؛ زیرا اگر او از کسانی بود که مرتکب گناه و معصیت می‌شد اذیت و آزار او، اذیت و آزار رسول خدا نبود. (ابن ابی الحدید، بی تا: ۴ (ص ۲) آلوسی نیز، از پرآوازه‌ترین مفسران اهل سنت، در تفسیر آیه ۴۲ سوره آل عمران، از یک سو حضرت مریم را معصوم از گناه شمرده، از تمامی پلیدی‌های حسی، معنوی و قلبی پاک می‌داند و از سوی دیگر، بر دیدگاه کسانی که وی را سرور تمامی زنان جهان، از آغاز تا انجام می‌شمارند، می‌تازد و با اقامه شواهد گوناگونی چنین نتیجه می‌گیرد که این ویژگی شایسته فاطمه زهرا علیها السلام است. (الوسی، ۱۴۰۵: ۱۳ (ع))

## ۲-۴. سیده نساء العالمین

در روایات زیادی فاطمه(س) برترین بانوی دو عالم یاد شده است. از جمله عایشه پیامبر(س) به حضرت فاطمه(ع) فرمود: «یا فاطمة الاترضین ان تکنونی سیده نساء العالمین و سیده نساء هذه الامة و سیده نساء العالمین، (ای فاطمه آیا راضی نیستی که تو برترین بانوی زنان جهان و بانوی زنان این امت و بانوی زنان با ایمان باشی)» (نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ۳۶۶) در روایت دیگر فاطمه زهرا(س) سرور زنان بهشتی یاد شده است. (نیشابوری، ۳(ع)(ع: ۳۶۳: ۴)

## ۲-۵. پاره تن پیامبر(ص)

رسول خدا(ص) علاقه فراوان به فاطمه زهرا(س) داشت که این دوستی را بارها و به مناسبت- های اعلان نمود. «محبوب ترین زن ها نزد رسول خدا(ص) فاطمه(س) و محبوب ترین مردان علی(ع) بود» (نیشابوری، ۱۴۲۲ق، ۳۶۵) این موضوعات در روایات دیگر از عمر و عایشه هم نقل شده است. (نیشابوری، ۱۴۲۲ق، ۳۶۵) حتی حضرت فاطمه(س) نزد رسول الله(ص) از علی(ع) نیز محبوب تر بوده است. در این خصوص علی(ع) خود گوید: من از رسول اکرم(ص) پرسیدم که از بین ما دو نفر (یعنی من و فاطمه) کدامیک بیشتر مورد علاقه شما قرار داریم؟ رسول خدا(ص) فرمود: «فاطمه نزد من دوست داشتی تر و تو نزد من عزیز تر از اوبی» (جزری، ۱۴۰(ص)ق: ۲۲۴)

نشانه های این دوستی عمیق میان فاطمه(س) و پیامبر(ص) این بود که هر وقت رسول خدا(ص) به مسافرت می رفت آخرین نفر فاطمه(س) بود که حضرت به او خدا حافظی می نمود و هر وقت از سفر بر می گشت، اولین نفر فاطمه(س) بود، که حضرت وی را ملاقات می کرد. (نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ۲۶۴)

عایشه گوید: کسی را ندیدم که از جهت منطق و کلام به پیامبر(ص) شبیه تر از فاطمه(س) باشد. چون فاطمه(س) وارد بر رسول خدا(ص) می شد، آن حضرت برخاسته، بر او خوش آمد می گفت. وی را می بوسید و بر جای خود می نشاند. (نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ۲۶۴) رسول گرامی اسلام به جهت تأکید بر محبت خود نسبت به حضرت زهرا(س) مکرر اعلام می فرمود که:

«فاطمة بضعة مني من أحبها فقد أحبني و من ابغضها فقد ابغضني» یا «انما فاطمة شجنة مني يبسطني ما يبسطها و يقبضني ما يقبضها» (هاشمی، ۱۳(ع): ۶: ۳۱۲) این سخنان لزوم دوستی دیگران را هم نسبت به فاطمه زهرا(س) روشن می‌سازد. رسول خدا(ص) در مقام ابراز دوستی خود به آن حضرت می‌فرمود: «فداك ابی و امی» (نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ۳۶۶) و نیز خطاب به حضرت زهرا(س) فرمود: «خداوند به غضب تو غضبناک و از خشنودی تو خشنود می‌گردد» (نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ۳۶۴) به هر حال دوستی پیامبر(ص) نسبت به فاطمه(س) چنان علنی و مشخص بود که عمر نیز پس از رحلت پیامبر(ص) به حضرت زهرا عرض کرد: «ای فاطمه به خدا ندیدم کسی محبوب‌تر از تو نزد رسول خدا(ص) باشد و به خدا بعد از پدرت کسی هم نزد من دوست داشتنی‌تر از تو نیست...» (نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ۳۶۵) و اتفاقاً حضرت زهرا(س) نیز در احتجاج خود نسبت به ابوبکر و عمر به دوستی پیامبر(ص) نسبت به او اشاره کرده است.

رمز و راز این دوستی میان پیامبر(ص)، فاطمه زهرا(س) و علی(ع) چه بوده است که رسول خدا(ص) اشاره به این دوستی نسبت به آنان چنین فرمود: «انا حرب لمن حاربكم و سلم لمن سالمكم» (ابن المغازلی، ۱۴۲(ع)ق، ۱۲(ع)) جز این است که فاطمه(س) و علی(ع) به جهت شخصیت ایمانی و اعتقادی خود مورد توجه پیامبر(ص) قرار گرفتند و در واقع اشتراک فکری آنان با پیامبر(ص) سبب اتصال روحی و معنوی ویژه‌ای گردید و گر نه شأن پیامبر(ص) بالاتر از آن است که به صرف احساس پدر، فرزندی رابطه‌ای عاطفی با دختر خود برقرار کرده و همگان را نیز به چنین دوستی و محبت فرا بخواند.

در مرحله ی بعدی، ابراز محبت و دوستی حضرت نسبت به فاطمه(س) و علی(ع) بخاطر ویژگی های است که در وجود این دو فرد(فاطمه و علی) است؛ حکایت دارد. و آن عبارت از دوری جستن از رجس و پلیدی و دوری از حب مال دنیا، و توجه به معنویات که هزاران نمونه در روایات از آنان نقل شده است.

## ۲-۶. دست پرورده رسول خدا(ص)

مقدر بود شده بود که فاطمه(س) در دامن رسول خدا(ص) پرورش یابد و همسر ولی خدا گردد و نسل رسول خدا(ص) و حجت خدا در روی زمین از ذریه ی پاک فاطمه(س) حاکم باشد و لذا چنین وجود نازنین قبل از تولد محافظ و مراقب می خواست چنانچه رسول خدا(ص) فرمود: « در شب معراج جبرئیل سیبی از بهشت به من تعارف کرد که آن را خوردم و پس از آن خدیجه به فاطمه(س) باردار شد. لذا هرگاه مشتاق بهشت می شوم بوی آن را از فاطمه(س) استشمام می کنم» (نیشابوری، ۱۴۲۲: ۳۶۶)

در روایات متعددی فاطمه(س) نجات یافته از آتش معرفی شده است: رسول خدا فرمود: « اَنَّ فاطمة احصنت فرجها فحرم الله ذریتها من النار» (نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ۳۶۳) خواسته خداوند بر آن تعلق گرفته است که فاطمه(س) و ذریه ی آن را از آتش دور نگهدارد. فاطمه(س) با ویژگی که در وی وجود داشت؛ کسی دیگر یارایی تربیت او را نداشت و او باید به دست بهترین انسان روی زمین تربیت و پرورش پیدا می کرد که چنین شد. چنین انسان حتما مصون و معصوم از گناه خواهد بود و ذره ی آن حضرت نیز چنین می باشد.

## ۲-۷. دفاع از حق

فاطمه(س) پس از رحلت مادرش مراقب پدر بزرگوارش بود و در خنثی سازی نقشه های دشمنان اسلام نقش به سزایی داشت « مشرکان قریش در حجر اسماعیل گردآمده و با هم قرار گذاشتند که هر کدام ضربه ای به رسول خدا(ص) وارد سازند. حضرت از ماجرا خبردار شده و پدر بزرگوار خویش را از ماجرا آگاه کرد، رسول خدا(ص) او را به خانه فرستاد و خود به مسجد آمد. هنگام که وارد مسجد شد مشرکان سرافگند شدند حضرت مشت از ریگ بسوی آنان پرتاب کرد فرمود: رویتان سیاه باد. راوی می گوید: به احدی از آنان ریگ اصابت نکرد مگر اینکه در جنگ بدر هلاک شدند» (نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ۳۶(ع))

هنگام که مشرکان صدماتی متوجه رسول خدا(ص) می کردند، فاطمه(س) با دستان کوچک خود خاک ها و خون را از سر و چهره مبارک پدر پاک می کرد. (ابن سعد، ۱۴۱(ع)ق: ۳۶) در

شعب ابی طالب همراه پدر بوده و به مشکلات مسلمین از نزدیک آشنا بوده است و در ۸ سالگی جزء مهاجرین بوده و در جنگها از جمله جنگ بدر و احد حضور داشته است و چنان مراقبت از پدر نمود که لقب «ام اییها» را دریافت کرد. (هنداوی، ۱۴۲۳: ۲۳)

## ۲-۸. حق طلبی

زهرا(س) پس از رحلت رسول خدا(ص) سختی های زیادی کشید. از یک طرف از دست دادن پدر از طرف دیگر، ظلم و جفا در حق حضرت و علی(ع) روا داشته می شد که این مساله حضرت را بسیار رنج می داد؛ ولی در عین حال دست از ولایت برنداشت. در روایت وارد شده است که آن حضرت به دلیل غضب فدک، نسبت به ابوبکر غضبناک شده و از او فاصله گرفت و از تکلم به خلیفه خودداری کرد تا این که از دنیا رفت. (بخاری، ۱۴۰(ع)ق: ۲۵۲)

و نیز در جمع مهاجران و انصار، چنان خطابه ای القا فرمود که همگان به گریه افتادند. آن حضرت پس از حمد و ثنای الهی با این عبارات که: «الحمد لله علی ما انعم و له الشکر علی ما الهم و الثناء بما قدّم من عموم نعم ابتداءها و...» خطبه ای ایراد فرمود. در قسمتی از این خطبه شخص خلیفه را مورد خطاب قرار داده و فرمود: «ای پسر ابی قحافه آیا در کتاب خدا وارد شده است که تو می توانی از پدر خود ارث ببری و من نمی توانم، قطعاً سخنی افترا گونه گفته ای. آیا به عمد کتاب خدا را ترک کرده و دستورات آن را پشت گوش انداخته اید که می فرماید: «و ورث سلیمان داود» یا حضرت زکریا از خداوند فرزندی طلبید که از او و آل یعقوب ارث برد؟ و...» (معاش، ۱۴۲۴ق: ۱۳(ع))

همچنین جهت دفاع از حریم ولایت آن حضرت، شبها با انصار ملاقات کرده و اخبار بیعت مردم با علی(ع) را (در غدیر خم) بازگو می کرد. انصار می گفتند: اگر قبل از بیعت با ابوبکر می دانستیم از بیعت با او خودداری می کردیم. علی(ع) می فرمود: آیا توقع داشتید که بدن رسول خدا(ص) را بر زمین گذاشته و دعوی خلافت راه اندازیم؟ و حضرت زهرا(س) در تأیید علی(ع) می فرمود که: ابوالحسن جز همان کاری که شایسته بود؛ انجام نداد و این قوم هم کاری انجام دادند که خدا به حساب آنان خواهد رسید. (بیومی، ۱(ص) (ص) ۱۳۵ق: ۱۳۵)

به هر حال روایات متعدد وجود دارد که همگی حکایت از عصمت فاطمه(س) دارد .

## ۲-ص). شکوه و جلال فاطمه(س) در قیامت

روایات فراوانی حکایت از قدرت و شکوه عظمت حضرت فاطمه(س) در روز قیامت خبر میدهد. از یک طرف مقام و منزلت حضرت، در نزد خداوند و از طرف دیگر شکوه و جلال معنوی آن حضرت در مقابل آحاد خلایق در روز محشر را نشان میدهد. آورده است که رسول خدا(ص) فرمود: « زمانی که قیامت بر پا می شود منادی از عرض خداوند ندا می کند که : ای اهل محشر سرهای خود را فرو بیاورید و چشم ها را ببندید که فاطمه دختر محمد(ص) بر صراط می گذرد. فاطمه در حالی که هفتاد هزار کنیز از حورالعین او را همراهی می کنند، مثل برق درخشنده از صراط عبور می کنند» (هاشمی، ۱۳(ع): ۶: ۲۶۱)

فلسفه این شکوه و جلال در چیست که در روز قیامت تجلی پیدا می کند؟ در روایات متعدد آمده است که در آن روز فاطمه(س) در حالی که پیراهن آغشته به خون فرزندش حسین(ع) را به دست دارد و خداوند را میان او و قاتلان و فرزندش به قضاوت فرا می خواند و نیز او شفاعت دوستان و گریه کنندگان بر حسین(ع) را طلب می کند. (هاشمی همان: ۲۶۲) و در این روز مضمون حدیث «ان الله یغضب لغضبک و یرضی لرضاک» (سیوطی، ۱۴۱۴ق، ۱(ع): ۶) را به عیان خواهید دید و اولین افراد که وارد بهشت می شوند؛ علی، فاطمه، حسن و حسین(ع) هستند. سوال می شود که دوست داران شما چه می شود؟ رسول خدا(ص) فرمود: آنان به دنبال شما خواهند بود. (سیوطی، همان: ۱۱۸)

آحادیث یاد شده با مضامین یکسان و مدارک معتبر از اهل سنت وارد شده است. حاکم نیشابوری از علی(ع) و او از رسول خدا(ص) چنین نقل می کند: « اذا کان یوم القیامة قیل یا اهل الجمع غصوا ابصارکم و تمرّ فاطمة بنت رسول الله(ص) فتمر و علیها ریطتان خضراوان؛ وی سپس توضیح می دهد که این حدیث صحیح سند است . (نیشابوری، همان: ۳(ع): ۱)

در باب عصمت حضرت زهرا(س) امام صادق(ع) فرموده اند: «حضرت فاطمه نزد خداوند متعال ۹ اسم دارند. فاطمه، صدیقه، مبارکه، طاهره، زکیه، رضیه، مرضیه، محدثه و زهرا، سپس به

راوی فرمودند: آیا می‌دانی چرا آن حضرت فاطمه نامیده شده‌اند؟ راوی عرض کرد: ای سرور من شما علت آن را برایم بازگو نمائید! امام صادق فرمودند: به دلیل آنکه حضرت فاطمه از هر نوع شرّ و بدی دور بودند. سپس امام صادق فرمودند: اگر امیرالمؤمنین با حضرت فاطمه ازدواج نکرده بودند، تا روز قیامت هیچ شخصی که هم کفو و هم شأن حضرت فاطمه باشد برای ایشان پیدا نمی‌شد چه از فرزندان آدم و چه غیر آن. (شیخ صدوق، بی تا: ۵ (ص ۲) سرچشمه عصمت فاطمه(س) فضایل او می باشد و فضایل او هم بی شمار است که ما به گوشه ی از این فضایی برای اثبات عصمت حضرت ، اشاره نمودیم.

## نتیجه‌گیری

بحث و بررسی آیات و احادیث در باره شکوه و جلال حضرت فاطمه(س) قبل از رحلت رسول خدا(ص) و پس از آن، بویژه شکوه و عظمت آن حضرت در روز محشر، حکایت از صفات منحصر به فرد فاطمه(س) در نزد خدا و رسول(ص) دارد و چنین شخصی شایسته‌ای اکرام و احترام است و رفتارهای خلاف شعور انسانی در شأن وی نخواهد بود و بحث از عصمت فاطمه زهرا(س) به این نتیجه می‌رسیم:

۱. با توجه به دلالت آیات و روایات و با تأکید به منابع حدیثی اهل سنت، به وضوح عصمت فاطمه زهرا(س) روشن می‌شود و فاطمه(س) مصون و معصوم از گناه است.

۲. براساس آیات قرآن و روایات پیامبر(ص)، فاطمه زهرا(س) از جهات گوناگون از جمله: اراده الهی در چگونگی خلقت وی، برخورداری از تربیت مستقیم پیامبر(ص)، توفیق همسری با علی(ع) و در نتیجه بقای نسل پیامبر به واسطه او، رسیدن به مقام «ام ایها»- که بیانگر همراهی با پیامبر(ص) است- برخورداری از شرافت مادری نسبت به حجت‌های الهی و ...، شخصیتی برگزیده و مؤید به توفیق الهی بوده است.

۳. حضرت زهرا(س) محور اهل بیت پیامبر(ص)، محبوب‌ترین انسان نزد رسول خدا(ص)، سرور بانوان دو عالم، معصوم از هر لغزش و خطا، معیاری در تجلی رضا و خشم الهی، تجسم تقوی و معنویت، الگوی شایسته‌ای جهت کمال انسان در دنیا و وسیله‌ای مشفق برای شفاعت و نجات مومنان در عالم آخرت به شمار می‌رود.

۴. او تنها شخصی بود که از لحاظ روحی، رفتاری، گفتاری و کرداری با رسول الله(ص)، شبیه بود. به گونه‌ای که کسی که شخص رسول خدا(ص) را ملاقات کرده بود؛ از لحاظ روحی، روانی، معنوی، تقوی و فضیلت، عین همان را در فاطمه(س) مشاهده می‌کردند.

۵. همه‌ی آن حکایت از پاکی و پاکیزگی و عصمت فاطمه زهرا(س) دارد.

## کتابنامه

### قرآن کریم

- ابن ابی الحديد، **شرح نهج البلاغه**، ج(ع)، قم داراحیاء الكتب العربیه، بی تا..
- ابن المغازلی، علی بن محمد جلابی: «مناقب اهل البيت»، تهران، المجمع العالمی لتقريب بين المذاهب الاسلامیه، ۱۴۲(ع)ق، .
- ابن سعد، محمد بن سعد بن منیع: «**الطبقات الكبرى**»، ج ۲، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱(ع)ق.
- ابوالحسن احمد بن فارس، بن زکریا، **معجم مقاییس اللغة**، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، ج ۴، بیروت دارالجلیل، ج دوم، ۱۴۲۰ق..
- ابوبکر عبدالله بن محمد ابن أبی شیهه الکوفی، **فی الأحادیث والآثار**، (م ۲۳۵ق)، تحقیق: کمال یوسف الحوت، ریاض، مکتبه الرشد، چاپ اول، ۱۴۰۹ق، ج ۶..
- انطوی الیاس، **فرهنگ نوین**، ترجمه: سید مصطفی طباطبایی، تهران: کتابفروشی اسلامیه، چ نهم، ۱۳(ع)۳.
- الوسی، سید محمود: «**روح المعانی فی تفسیر القرآن و السبع المثانی**»، ج ۳، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق، .
- بخاری، محمد بن اسماعیل: «**الصحيح**»، ج ۵، بیروت، دارلقلم، ۱۴۰(ع)ق، ص ۲۵۲.
- بیومی مهران، محمد: «**السيدة فاطمة الزهراء**»، بیروت، دارالنهضة العربیه، ۱(ص) (ص) ۴۰م.
- پایگاه اطلاع رسانی، حسین انصاریان .
- جزری، عزالدین ابن اثیر: «**اسد الغابة فی معرفة الصحابة**»، ج ۶، بیروت، دارالکفر، ۱۴۰(ص)ق..
- جوادی آملی، عبدالله، **تفسیر موضوعی قرآن کریم**، ج ۳، بی تا.
- حسن عمید، **فرهنگ فارسی عمید**، تهران، امیر کبیر، چ بیست و دوم، ۱۳(ع) (ص) هشت، ج ۲..
- حسینی الزبیدی، سید محمد مرتضی، **تاج العروس من جواهر القاموس**، بیروت مکتبه الحیات، بی تا، ج ۸.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد: «**المفردات فی غریب القرآن**»، انتشارات مرتضوی، ۱۳۶۲..
- زکی زاده، امام علی(ع) **در آینه معراج**، هدیه بزرگ الهی در سبب مخصوص، ج ۱، انتشارات پرتوخورشید، ۱۳۸۸..
- زمخشری، محمود بن عمر: «**الکشاف عن...**»، بیروت، ج ۴، دارالکتاب العربی. ۱۴۰(ع)ق،

۸۰(ع).

سیوطی، جلال الدین: «الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور»، ج (ع)، بیروت، دارالفکر، ۱(ص) (ص) ۳م.  
سیوطی، جلال الدین: «مسند فاطمه الزهرا و ماورد فی فضلها»، بیروت، دار ابن حزم، ۱۴۱۴ق.  
طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، بی تا.  
طیب، سید عبدالحسین، اطيالیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، انتشارات اسلام، سال ۱۳۱۳(ع) ۸.  
فخر رازی، محمد بن عمر: «مفاتیح الغیب»، ج ۲(ع)، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۱۳ق.  
فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، تحقیق مهدی المخزومی، بی جا، دارو مکتبه الهلال، بی-تا، ج ۱.

قاضی عبدالجبار بن احمد، شرح الاصول الخمسه، قاهره مکتبه، ۱۳۸۴هـ.ق.

معاش، کمال: «فاطمة بین النبوة و الامامه»، بیروت، دارالعلوم، ۱۴۲۴ق.

حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله: «المستدرک علی الصحیحین»، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۲ق.

نیشابوری، محمد بن مسلم: «الجامع الصحیح»، به تصحیح فواد عبدالباقی، ج ۶، بیروت، ۱۳(ع) ۴ق.

هاشمی، سید مهدی: «فاطمة زهرا در کلام اهل سنت»، قم، انتشارات حر، ۱۳(ع) ۶.

هنداوی، شیخ محمد: «فاطمة الزهراء شخصيتها، ظلامتها»، بیروت، مؤسسة العارف للمطبوعات، ۱۴۲۳ق.